

## بررسی دلالت آیه ۸۳ سوره نمل بر رجعت از دیدگاه فریقین

عزالدین رضانژاد\*

رمضان پای برجای\*\*

### چکیده

رجعت، به معنای بازگشت جمعی از انسان‌ها به دنیا پس از مرگ و پیش از قیامت، یکی از آموزه‌های اعتقادی شیعه است که با مهدویت، حوادث آخرالزمان، ظهور قائم و قیام او پیوندی ناگسستنی دارد. دانشمندان شیعه برای اثبات این آموزه دلایل معتبری اقامه کرده‌اند که یکی از آنها، آیه ۸۳ سوره نمل است. این آیه با توجه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بر محشور شدن عده‌ای از افراد در دنیا دلالت دارد. مفسران و علمای شیعه، با کمک روایات و اجماع امامیه این آیه را بر رجعت تفسیر می‌کنند، اما مفسران اهل سنت، آیه مذکور را دلیل برپایی قیامت و حشر همگانی دانسته‌اند. بر اساس آیات دیگر قرآن در قیامت کبری همه انسان‌ها محشور می‌شوند. بنابر این روزی که همه خلائق محشور می‌شوند، غیر از آن روزی است که گروهی محشور می‌گردند.

### واژگان کلیدی

آیه ۸۳ نمل، رجعت، حشر کلی، حشر جزئی، تفسیر تطبیقی.

rezanejad39@yahoo.com

\*. دانشیار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

\*\* دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام دانشگاه معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

ramazanpabarja@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۳

### طرح مسئله

یکی از مباحث مسلم و مورد قبول مذهب شیعه مسئله رجعت است. اعتقاد به رجعت، از زمان صدر اسلام مطرح بوده است. شیعیان با استناد به آیات و روایاتی بدون کوچک‌ترین تردیدی رجعت را ثابت می‌کنند و آن را به‌عنوان یکی از آموزه‌های مسلم خود می‌پذیرند. این عقیده تبیین‌کننده آینده‌ای روشن و آتیه‌ای ظلمانی برای ظالمان است. اهل سنت، تشیع را به این عقیده شناخته و این عقیده را دستاویزی برای سرزنش شیعیان قرار داده است و سعی می‌کند با وارد کردن شبهاتی این عقیده را زیر سؤال ببرند. از این‌رو چون این عقیده دائماً در تیررس مخالفانی سرسخت قرار دارد، دفاع از این آموزه با عظمت شیعه، ایجاب می‌کند که پیرامون آن تحقیق‌های زیادی صورت گیرد؛ زیرا بدون شک پاسداری و حفظ هر ارزش و عقیده‌ای بدون دفاع از آن در برابر اشکالات وارده از سوی مخالفان ممکن نخواهد بود.

درباره موضوع رجعت آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که به تحقق آن در آینده تصریح کرده‌اند. یکی از ادله علما شیعه برای اثبات رجعت ظهور واضح همین آیات است. از جمله مهم‌ترین این آیات، آیه ۸۳ سوره نمل است که علمای شیعه برای اثبات و تحقق رجعت به آن تمسک کرده‌اند ولی علمای اهل سنت استدلال به این آیه را بر رجعت نمی‌پذیرند. سؤال اصلی این تحقیق این است که: آیا با آیه ۸۳ سوره نمل می‌توان رجعت را اثبات کرد؟ تحقیق حاضر بعد از پرداختن مفهوم‌شناسی و اثبات رجعت به بررسی دلالت این آیه از منظر علمای امامیه و اهل سنت و نقد و بررسی دیدگاه‌ها و پاسخ به برخی از اشکالات پیرامون دلالت آیه می‌پردازد.

### الف) مفهوم‌شناسی رجعت

رجعت از ماده «ر ج ع» است که لغت‌شناسان با انتخاب دیدگاهی تقریباً مشترک، آن را به‌معنای انصراف؛ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۱۱۴) و یک بار بازگشت (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۲۶ - ۲۲۵/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۴: ۲ / ۲۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۵۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۱۵۶) معنا نموده و ایمان به رجعت را، اعتقاد به بازگشت به دنیا بعد از مرگ دانسته‌اند. (جوهری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۲۱۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۸؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۲۰) بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که «رجعه» که با تای وحدت استعمال می‌شود به‌معنای یک بار برگشتن؛ یعنی برگشتن به دنیا پس از مرگ است.

در اصطلاح برای رجعت تعریف‌های فراوانی از شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۴: ۷۸ - ۷۷) سید مرتضی (موسوی، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۰۳ - ۳۰۲) ابوالصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۸۷) طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۳۶۷) مجلسی (مجلسی، ۱۳۸۷: ۳۳۵) طیبی نجفی (طیبی نجفی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۵) ارائه شده است. در یک جمع‌بندی کلی و جامع از میان این تعاریف می‌توان رجعت را این‌گونه تعریف کرد: «زنده شدن مردگانی از خویان و بدان محض و همچنین ائمه علیهم‌السلام و بازگشت آنها به دنیا پس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام به صورت تدریجی تا خویان به پاداش درخور و بدان به کیفی خود نایل شوند و ائمه علیهم‌السلام سکان هدایت بشر را بر عهده گیرند.» این تعریف: اهداف، زمان، رجعت‌کنندگان و کیفیت رجعت را در بر دارد.

مظفر دانشمند معاصر شیعی در این باره می‌گوید:

عقیده شیعه در رجعت، بر اساس پیروی از اهل‌بیت علیهم‌السلام چنین است: خداوند عده‌ای از کسانی را که در گذشته از دنیا رفته‌اند به همان اندام و صورتی که داشته‌اند زنده کرده و به دنیا برمی‌گرداند؛ به برخی از آنان عزت می‌دهد و پاره‌ای را دلیل و خوار می‌کند و حقوق حق‌پرستان را از باطل‌پرستان می‌گیرد و داد ستمدیدگان را از ستمگران می‌ستاند و این جریان یکی از رویدادهایی است که پس از قیام مهدی آل محمد علیهم‌السلام رخ می‌دهد؛ کسانی که پس از مردن به این جهان بازمی‌گردند یا از ایمان بالا برخوردارند یا افرادی در نهایت درجه فساد هستند و آنگاه دوباره می‌میرند. (مظفر، ۱۳۸۷: ۸۰)

### ب) اثبات رجعت

برخی از علما شیعه برای اثبات رجعت به روایات و اجماع امامیه تمسک کرده‌اند، به‌عنوان مثال شیخ صدوق با استناد به روایتی از امام باقر علیه‌السلام می‌نویسد:

ایام خدای عزوجل سه روز است: روزی که قائم علیه‌السلام قیام می‌کند، روز رجعت و روز قیامت. (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۶۵ و ۳۶۶)

سید مرتضی نیز برای اثبات تحقق رجعت، به اجماع امامیه تمسک می‌کند و از آنجا که اجماع علما از قول معصوم حکایت می‌کند و قول معصوم حجیت دارد؛ بنابراین اجماع علما، حجت است. (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۲۵ و ۱۲۶)

با این وجود به نظر می‌رسد عمده دلیل علما شیعه برای اثبات رجعت آیات فراوان قرآن کریم از جمله: غافر / ۱۱ و ۵۱؛ بقره / ۵۶ و ۷۲ و ۷۳ و ۲۴۳ و ۲۵۹؛ نساء / ۱۵۹؛ صف / ۹؛ انبیاء / ۹۵؛ نور / ۵۵ است. در این میان یکی از آیات کلیدی و مهم در این بحث آیه ۸۳ سوره نمل است که به طور تفصیلی در ادامه بررسی می‌شود.

### ج) دیدگاه علمای شیعه درباره دلالت آیه ۸۳ نمل بر رجعت

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ. (نمل / ۸۳)  
و روزی که ما از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب کردند بر می‌انگیزیم و آنها [برای سؤال] نگه داشته می‌شوند.

از نظر علمای شیعه، این آیه صریح‌ترین و مهم‌ترین آیه رجعت است که به تنهایی بر رجعت دلالت دارد؛ چرا که ظاهر آن به خوبی بیان‌گر این است که حشر گروهی از هر امتی غیر از حشر در روز قیامت است؛ زیرا حشر در آیه، حشر همگانی نیست و تنها در مورد گروهی اتفاق می‌افتد، در حالی که بر اساس آیاتی مثل «وَحَشَرْتَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»؛ (کهف / ۴۷) و همه را محشور کرده و احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت. حشر روز قیامت شامل همه انسان‌ها می‌گردد. برای روشن شدن ابعاد دلالت این آیه بر مسئله رجعت به برخی از تفاسیر علمای شیعه اشاره می‌شود:

#### ۱. محمد بن علی بن بابویه (صدوق) (م ۳۸۶ق)

شیخ صدوق در ذیل آیه می‌نویسد:

فالیوم الذي يحشر فيه الجميع غير اليوم الذي يحشر فيه فوج. (صدوق، ۱۴۱۴: ۶۳)  
پس روزی که همه خلائق محشور می‌شوند، غیر آن روزی است که گروهی محشور می‌گردند.

#### ۲. شیخ مفید (م ۴۱۳ق)

شیخ مفید با بررسی آیات ۴۷ سوره کهف و ۸۳ سوره نمل به اثبات دو نوع حشر پرداخته است؛ یکی، حشر عمومی برای همه انسان‌ها و آن حشر روز قیامت است و دوم، حشر گروهی خاص از انسان‌ها پیش از روز قیامت که رجعت مورد نظر شیعیان است. خداوند عزوجل در سوره کهف

می‌فرماید: «وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»؛ (کهف / ۴۷) و همه را محشور کرده و احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت. همچنین در سوره نمل می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛ (نمل / ۸۳) و روزی که ما از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب کردند بر می‌انگیزیم و آنها [برای سؤال] نگه داشته می‌شوند.

خداوند سبحان خبر داده که دو نوع حشر وجود دارد: حشر عام و حشر خاص؛ از آنجا که حشر روز قیامت همگانی است و از احدی فروگذار نمی‌شود؛ معلوم می‌شود که حشر خاص مربوط به قیامت نیست، بلکه حشری است که در همین دنیا صورت می‌گیرد و مربوط به روز رجعت است. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳ - ۳۲)

۳. محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق)

شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌گوید:

استدل به قوم علي صحه الرجعه في الدنيا، لأنه قال: من كل أمة و هي للتبعيض فدل علي ان هناك يوماً يحشر فيه قوم دون قوم، لأن يوم القيامة يحشر فيه الناس عامه، كما قال «وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (کهف / ۴۷) با این آیه، گروهی بر صحت رجعت در دنیا استدلال کردند؛ زیرا «من» برای تبعیض است و دلالت می‌کند که در آن روز برخی از اقوام محشور می‌شوند و برخی دیگر محشور نمی‌شوند؛ زیرا همان‌طور که خداوند در آیه ۴۷ سوره کهف فرموده، در روز قیامت همه مردم جمعاً محشور می‌شوند. (طوسی، ۱۳۸۲: ۸ / ۱۲۰)

۴. امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق)

شیخ طبرسی نیز در تفسیر آیه می‌گوید:

شیعیانی که به رجعت عقیده دارند، با این آیه، بر درستی اعتقاد خود استدلال نموده و گفته‌اند: آمدن «من» در سخن، موجب تبعیض است و بر این دلالت دارد که در روز مورد نظر در آیه، برخی از اقوام برانگیخته می‌شوند و برخی دیگر برانگیخته نمی‌گردند و این صفت روز رستاخیز نیست؛ زیرا خداوند سبحان درباره آن فرموده است «انان را بر می‌انگیزیم و هیچ یک از ایشان را فروگذار نمی‌کنیم». (کهف / ۴۷) (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۳۶۶)

۵. محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ق)

علامه مجلسی در توضیح آیه می‌نویسد:

در احادیث بسیاری از امام صادق علیه السلام منقول است که این آیه در رجعت است که حق تعالی از هر امتی فوجی را زنده می‌کند و آیه قیامت آن است که فرموده: «وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمُ أَحَدًا»؛ یعنی ایشان را محشور گردانیم پس احدی از ایشان را ترک نکنیم. (مجلسی، ۱۳۸۷: ۳۳۶)

۶. شریف لاهیجی (م ۱۰۹۷ق)

شریف لاهیجی در تفسیر آیه می‌گوید:

این آیه در باب رجعت است؛ زیرا که «نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» دلالت دارد بر اینکه بعضی را حشر می‌کنند و بعضی را نمی‌کنند و در قیامت همه را حشر می‌کنند، چنان که حق تعالی فرموده «وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمُ أَحَدًا»؛ یعنی محشور می‌گردانیم آنها را و یکی از آنها را ترک نمی‌کنیم؛ و در حدیث نیز این چنین واقع شده و در احادیث فراوان است که پیش از قیامت در زمان حضرت قائم علیه السلام جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد را به دنیا برمی‌گردانند نیکان را برای آن که تا دیده‌های ایشان از رؤیت دولت ائمه خود روشن گردد و بعضی از اجر نیکی‌های ایشان در دنیا به ایشان برسد و بدان را از برای آن که آزار بکشند و آن دولتی را که نمی‌خواستند که به اهل بیت علیهم السلام برسد اضعاف مضاعف آن را در دست ایشان ببینند و نیکان از ایشان انتقام کشند و اما سایر مردم در قبرها بمانند تا روز قیامت و بدانجا محشور گردند و بر عاقل پوشیده نیست که این امری ممکن است و متعلق قدرت الهی می‌تواند واقع شود بلکه حق سبحانه و تعالی این معنا را در امم ماضیه به عمل آورده چنان که قصه عزیز و غیر آن در قرآن مندرج است حکایت از آن می‌نماید و به صحت رسیده از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که هر چه در بنی اسرائیل به عمل آمده زود باشد که در امت من به عمل آید. (لاهیجی، ۱۳۷۳: ۳ / ۴۴۴)

۷. سید محمد حسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ق)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید:

از ظاهر آیه برمی‌آید که حشر در آن، حشر در غیر روز قیامت است؛ زیرا حشر

در روز قیامت اختصاص به یک فوج از هر امت ندارد، بلکه تمامی امت‌ها در آن محشور می‌شوند و حتی به حکم آیه ۴۷ سوره کهف، یک نفر هم از قلم نمی‌افتد و اما در این آیه می‌فرماید: «از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم».  
(طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۳۹۷)

#### د) نحوه برخورد علمای اهل سنت با دلالت آیه ۸۳ نمل بر رجعت

اکثر علمای اهل سنت با اینکه این آیه بر حشر کلی انسان‌ها در قیامت دلالت ندارد آن را به قیامت تفسیر کرده‌اند و با اختصار و بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به محدودیت کسانی که برانگیخته می‌شوند، از کنار آن گذر کرده‌اند. با توجه به تفاسیر علمای اهل سنت درباره آیه می‌توان نظر آنها را در سه گروه جای داد:

۱. کسانی که آیه را به بعد از روز قیامت تفسیر کرده‌اند

##### - فخر رازی

فخر رازی درباره این آیه می‌نویسد:

این حشر، از اموری است که پس از برپایی قیامت واقع می‌گردد. (رازی،  
۱۴۱۱: ۲۴ / ۲۱۸)

۲. کسانی که آیه را به روز قیامت تفسیر کرده‌اند

##### - زمخشری

زمخشری در توضیح آیه می‌نویسد:

این آیه به حشر در روز قیامت و احوال آن روز مربوط می‌شود. آن روز، ابتدا رؤسای گروه کافران محشور در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند و پس از آن پیروانشان به آنان ملحق می‌گردند؛ بنابراین آیه شریفه با حشر همه مردم در روز قیامت سازگار است و به رجعت ارتباطی ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۶۱)

##### - ابن کثیر

ابن کثیر در ذیل این آیه می‌نویسد:

خداوند از روز قیامت خبر می‌دهد و ستمکارانی که آیات و پیامبرانش را تکذیب

کردند با حالت ملامت، توبیخ و سرزنش، خواری و ذلت و تحقیر شده در پیشگاهش محشور می‌کند تا از آنچه در دنیا انجام داده‌اند به حسابشان بکشد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۹۴)

#### - ثعالبی

ثعالبی نیز در ذیل این آیه می‌نویسد:

این سخن خداوند یادآوری روز قیامت است که در آن روز کفار را ننگه می‌دارد و از روی توبیخ سؤالشان می‌کند. (ثعالبی، بی تا: ۴ / ۲۶۰)

۳. کسانی که آیه را به تأکید عذاب برای تکذیب کنندگان تفسیر کرده‌اند

#### - آلوسی

آلوسی در بیان این آیه می‌گوید:

منظور از این حشر، حشر برای توبیخ و عذاب است که بعد از حشر کلی اتفاق می‌افتد؛ یعنی حشر بعد از حشر، یک حشر کلی برای همه خلائق و یک حشر نیز تنها برای کسانی که مورد خشم و عذاب الهی قرار می‌گیرند. پس آیه دلالتی بر رجعت در دنیا نداشته و منظور آیه حشر در روز قیامت است. (آلوسی، ۱۴۲۱: ۲۰ / ۳۱۶)

#### - سید قطب

سید قطب درباره این آیه می‌گوید:

معنای آیه، این نیست که «گروه خاصی محشور می‌شوند» تا آیه به رجعت مربوط شود بلکه مقصود آیه آن است که جایگاه عذاب تکذیب کنندگان را بیشتر نشان دهد. (قطب، ۱۳۸۶: ۶ / ۳۰۹)

#### ه) نقد و بررسی تفاسیر علمای اهل سنت پیرامون آیه ۸۳ سوره نمل

با توجه به ظهور آیه و همچنین تفاسیری که از ائمه علیهم‌السلام رسیده، آیه بر رجعت دلالت دارد. با توجه به چند نکته ذیل می‌توان ادعا کرد که این آیه بر رد و ابطال نظر علما اهل سنت درباره تفسیر این آیه دلالت دارد:

۱. آیه ظهور در این مطلب دارد که حشر در آن به این دنیا مربوط است؛ زیرا حشر در روز



قیامت اختصاص به یک فوج و جماعت از هر امت ندارد.

۲. آیه همراه با دو آیه بعد، بین آیه‌ای که مربوط به بیان حالات قبل از وقوع قیامت<sup>۱</sup> و آیه‌ای که مربوط به احوال روز قیامت است<sup>۲</sup> واقع شده است و اگر آیه به حشر روز قیامت مربوط می‌شد حتماً بعد از آن آیه‌ای ذکر می‌شد که درباره قیامت و احوال آن سخن گفته است. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۳۹۷)

۳. بنا به عقیده فخررازی آیه مربوط به بعد از قیامت است، اما نکته قابل توجه آن است که اولاً: ایشان هیچ دلیلی برای ادعای خود نیاورده است. ثانیاً: آیه مذکور علیه نظر او است؛ زیرا حرف «من» در آیه یادشده برای تبعیض است و تنها به حشر برخی از افراد اشاره دارد، اما حشر روز قیامت شامل تمام انسان‌ها می‌شود. پس معلوم می‌شود این روز بنا بر ظاهر آیه، روز رجعت است و اگر مراد از بعد از قیامت، یک حشر جزئی پس از حشر کلی باشد، باز هم نادرست است؛ زیرا پس از حشر کلی، کسی نخواهد بود که برانگیخته شود.

۴. به عقیده آلوسی مراد از این حشر (جزیی در آیه ۸۳ سوره نمل)، حشر عذاب است اما پس از حشر کلی و عمومی.

ولی این اشکال بر او وارد است که شما دو حشر را در روز قیامت پذیرفتید: حشر اول که زنده شدن همه مردم است و حشر دوم که حشر گروهی از آن‌ها است. این بر خلاف آیاتی<sup>۳</sup> است که بر یک حشر در قیامت تصریح دارند. افزون بر این، پذیرش حشر دوم مردود است؛ زیرا اگر بخواهیم پس از زنده شدن همه مردم، حشر دیگری داشته باشیم، باید عده‌ای از آنها حیات خود را از دست دهند تا دوباره محشور گردند و ما دلیلی بر چنین مرگی در قیامت نداریم و اساساً مرگی در قیامت وجود ندارد. پس برای تحقق حشر دوم، باید عده‌ای از کسانی که محشور شده‌اند، برانگیخته شوند که آن هم تحصیل حاصل است و تحصیل حاصل باطل است. ممکن است گفته شود: عده‌ای در حشر اول زنده نخواهند شد و در حشر دیگری زنده می‌شوند، پس هر دو حشر در روز قیامت خواهد بود.

---

۱. منظور آیه ۸۲ سوره نمل است که از خارج شدن «دابه الارض» (جنبنده زمین) در آخرالزمان خبر داده است که

به اعتراف خود اهل سنت از علائم قبل از قیامت است.

۲. منظور آیه ۸۷ سوره نمل است که به نفخ صور برای برپایی قیامت مربوط است.

۳. وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمُ أَحَدًا. (کهف / ۴۷)

اما این حشر دو مرحله‌ای و یا دو حشر ناقص، خلاف تبادر از آیات و روایات است؛ زیرا آنچه از کلمه حشر در قیامت به ذهن تبادر می‌کند یک حشر است که اعتقاد عمومی بر آن شکل گرفته است و دست کشیدن از این تبادر، نیازمند دلیل است و ما چنین دلیلی را نداریم. (اکبری، ۱۳۸۷: ۳۱)

استدلال به این آیه شریفه برای اثبات رجعت، مورد توجه و تأیید پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بوده است؛ زیرا براساس روایات زیادی ائمه اطهار علیهم‌السلام برای اثبات رجعت، به این آیه شریفه استدلال می‌کرده‌اند.

قبل از ذکر این روایات تذکر یک نکته ضروری است و آن این که چون طرف مقابل معتقدین رجعت، اهل سنت هستند، قاعدتاً نمی‌توان به روایات ائمه علیهم‌السلام برای اثبات رجعت استناد کرد. با این وجود ذکر این روایات از چند جهت ضروری به نظر می‌رسد: ۱. باعث تقویت نظر علما شیعه می‌شود. ۲. بررسی روایات مورد بحث نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام با ذکر استدلال و شواهد، آیه را تفسیر کرده‌اند. بررسی این شواهد می‌تواند ما را به فهم دقیق‌تری از آیات برساند. به عبارت دیگر برخورد ما با این روایات یک برخورد تعبدی نیست، بلکه محتوای این روایات ارشاد به حکم عقل است.

به‌عنوان نمونه امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: اما پاسخ کسانی که رجعت را انکار کنند این آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» که مربوط به این دنیا است، اما در مورد برانگیخته شدن آخرت پاسخ آنها آیه «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» هست. (موسوی، بی‌تا: ۳؛ حر عاملی، ۱۳۶۲: ۳۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳ / ۸۶)

نیز علاوه بر دلالت روشن خود آیه بر رجعت، احادیث فراوانی در ذیل این آیه شریفه از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده و ایشان آیه ۸۳ سوره نمل را بر رجعت منطبق دانسته‌اند که از جمله می‌توان به روایت زیر اشاره کرد:

فقال الرجل لابي عبدالله عليه السلام: إن العامه تزعم أن قوله «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» عني في القيامة فقال أبو عبدالله عليه السلام: فيحشر الله يوم القيامة من كل امه فوجا و يدع السابقين؟ لا و لكنه في الرجعه و أما آيه القيامة «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا». (حلبی، ۱۴۲۱: ۴۲ - ۴۱؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱۳۱ - ۱۳۰ / ۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۵۳)

مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: اهل سنت گمان دارند مراد خداوند که فرمود: «روزی که از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزیم» روز قیامت است، حضرت فرمود: پس خداوند روز قیامت از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزد و بقیه

را وامی‌گذارد؟ نه بلکه مراد، حشر در رجعت است، اما آیه مربوط به حشر در قیامت این است که فرمود: «و همه آنها را بر می‌انگیزیم و از یک نفر هم فروگذار نخواهیم کرد».

خلاصه اینکه مفسرانی که این آیه را به قیامت تفسیر کرده‌اند خود را در ناهماهنگ کردن آیات، گرفتار ساخته‌اند که سوره نمل برانگیختگی عده‌ای از مردم و آیات دیگر حشر همه انسان‌ها را بیان کرده است؛ اما شیعه با این ناهماهنگی آیات روبرو نیست و هیچ مصداقی هم برای حشر جزئی عده‌ای از انسان‌ها، جز رجعت نمی‌شناسد، چه اینکه ائمه علیهم‌السلام در برابر نظر اهل سنت به این آیه تمسک جسته‌اند. (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۹ و ۳۰)

ابو بصیر می‌گوید: امام باقر علیه‌السلام به من فرمود:

ینکرون اهل العراق الرجعه؟ قلت: نعم، قال: أما یقرؤن القرآن «و یوم نحشرو من کل أمة فوجاً». (حلبی، ۱۴۲۱: ۲۵)

آیا اهل عراق رجعت را انکار می‌کنند؟ عرض کردم: آری، فرمود: آیا قرآن را نمی‌خوانند که می‌فرماید: «و روزی که ما از هر امتی گروهی را بر می‌انگیزیم».

شیخ حر عاملی در این باره می‌نویسد:

دلالت این آیه بر حقانیت رجعت به قدری صریح و روشن است که اگر تفسیری هم از ائمه علیهم‌السلام وجود نداشت، باز هم می‌توانستیم از این آیه، رجعت را اثبات کنیم؛ زیرا این آیه قطعاً به قیامت که در آن همه مردم محشور می‌شوند مربوط نیست و در اینکه پس از قیامت رجعتی وجود ندارد، سنی و شیعه اتفاق نظر دارند؛ بنابراین رجعتی که در آیه آمده، به قبل از قیامت و همین دنیا مربوط خواهد بود. (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۷۳)

خلاصه اینکه تنها یک حشر در قیامت وجود دارد و آن حشر کلی است که همه مردم را در بر می‌گیرد و حشر جزئی به روز دیگری که روز رجعت است مربوط می‌شود. نظر علمای شیعه بنا بر ظاهر آیه و روایات اهل بیت علیهم‌السلام این است که مراد از یوم (روز) در آیه روز رجعت است و به این نظریه شهرت دارند، چنان‌که آلوسی از مفسران اهل سنت هم به این شهرت اعتراف کرده است، آن جایی که می‌گوید: «این آیه از مشهورترین دلایلی است که شیعه برای رجعت، به آن استدلال کرده است». (آلوسی، ۱۴۲۱: ۲۰ / ۳۱۶)

## و) پاسخ به سه اشکال

### ۱. اشکال اول (محتوایی و مفهومی)

ممکن است در استدلال به این آیه، ایراد شود که آیه فقط در مورد بازگشت گروهی از گناهکاران سخن گفته و درباره رجعت گروهی از خوبان سخنی به میان نیاورده است، در حالی که نظر شیعه در رجعت، اختصاص به بازگشت گروهی از گناهکاران ندارد، بلکه شامل بازگشت گروهی از خوبان نیز می‌شود، بنابراین دلیل محدودتر از هدف و مدعا است و نمی‌تواند مدعا را ثابت کند. (بنگرید به: شهیمی، ۱۳۸۶: ۵۱)

### پاسخ

در پاسخ به این اشکال سه جواب می‌توان ارائه کرد:

۱. بسیاری از موضوعات در قرآن به شکل اجمالی بیان شده، بیان تفصیلی آنها به پیامبر ﷺ و اهل بیت آن بزرگوار واگذار شده است؛ (نحل / ۴۴) به عنوان مثال نماز، روزه، زکات، جهاد و ... همگی از مسائلی هستند که تمام ابعاد و شرایط آنها در قرآن بیان نشده است و بیان تفصیلی آنها با مراجعه به احادیث به دست می‌آید.

در مورد رجعت نیز هدف از استدلال به این آیه اثبات اصل رجعت است، اما برای دانستن ویژگی‌های این مسئله، مانند عمومی بودن آن یا اینکه چه اشخاصی رجعت دارند، باید از منابع روایی استفاده شود. (شهیمی، همان)

۲. گرچه در این آیه سخن از بازگشت خوبان نیست، اما این استدلال شامل بازگشت آنها نیز می‌شود؛ زیرا در مورد رجعت دو نظر بیشتر وجود ندارد:

الف) رجعت در مورد گروهی از خوبان و بدان مورد قبول است.

ب) رجعت در هر دو مورد قبول نیست و از ریشه مردود است.

از میان علما کسی نظر سومی - که قبول رجعت را در گروه بدان و نپذیرفتن آن در مورد گروهی از نیکان باشد - را ارائه نکرده است.

بنابراین اگر آیه شریفه رجعت گروهی از گناهکاران را پذیرفته است، پس به اتفاق همه علما رجعت گروهی از خوبان نیز ثابت می‌شود. (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۷۳)

۳. با توجه به سیاق آیه ۸۲ سوره نمل که در آن «دابة الارض» (جنبنده زمین) آمده که در زمان «رجعت» خروج می‌کند و به اتفاق شیعه و سنی، خروج «دابة الارض» از نشانه‌های نزدیک بودن

قیامت است و این علامت پیش از برپایی قیامت آشکار می‌شود.<sup>۱</sup> «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»؛ (نمل / ۸۲) و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان تکلم می‌کند (و می‌گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند.

در احادیث پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام «دابة الارض» به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام تفسیر شده است، چنان‌که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

در حالی که امیرمؤمنان در مسجد خوابیده بود، پیامبر نزد او آمد و علی را با پای مبارکشان حرکت داد و فرمود: «برخیز ای جنبنده الهی» کسی از یاران پیامبر ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا آیا ما حق داریم یکدیگر را به چنین اسمی فرا بخوانیم؟ پیامبر فرمود: نه، این نام مخصوص او است و او همان جنبنده زمین است که خداوند در قرآن فرموده: «هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان تکلم می‌کند (و می‌گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند.» سپس حضرت فرمود: «ای علی در آخرالزمان خداوند تو را در بهترین صورت زنده می‌کند و وسیله‌ای در دست تو است که دشمنانت را با آن نشانه می‌گذاری.» (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۵۲)

البته صفاتی نیز برای این جنبنده ذکر شده است که برخی عبارتند از: غذا می‌خورد، در بازار راه می‌رود، با ایمان است، قاری قرآن است. (حرعاملی، بی‌تا: ۳۸۳)<sup>۲</sup>

أبوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «دابة الارض» خارج می‌شود در حالی که همراهش عصای موسی و انگشتر سلیمان است و با انگشتر صورت مؤمن را جلوه می‌دهد و با عصا دماغ کافر را داغ می‌نهد تا جایی که برای مردمی که بر سر یک سفره می‌نشینند، کافر از مؤمن بازشناخته می‌شود. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۲۷)

۱. چنان‌که در احادیث اهل سنت به این مطلب اشاره شده است: «عن عبدالله بن عمر قال: قال رسول الله ﷺ:

«أول الآيات طلوع الشمس من مغربها و خروج الدابة على الناس ضحى» اولین نشانه از نشانه‌های قیامت طلوع شمس از محل غروبش و خروج دابه به هنگام روز است. (ابن ماجه، ۱۳۹۵: ۱۳۵۳/۲)

۲. عن عبایه قال: أتى رجل امیر المؤمنین علیاً فقال: حدثني عن الدابة؟ قال: «هي دابة مؤمنه تقرأ القرآن و تؤمن بالرحمن و تأكل الطعام و تمشي في الاسواق.»

با توجه به مضمون احادیثی که درباره «دابة الارض» نقل شده، ثابت می‌شود که مقصود از «دابة الارض» حضرت علی علیه السلام است که در آخرالزمان بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام رجعت می‌کند.

## ۲. اشکال دوم (ادبیاتی)

این آیه در مورد حشر گروهی از هر امت سخن می‌گوید و دلیل این ادعا این است که حرف «من» در آیه به معنای «بعض» است، اما بعضی منکرین رجعت، حرف «من» را زائده می‌دانند و در نتیجه حشر در آیه را عمومی و همگانی دانسته و بدین ترتیب استدلال به آیه در مورد رجعت را نپذیرفته‌اند. (طوسی، ۱۳۸۲: ۸ / ۱۲۰)

### پاسخ

با توجه به دلایل ذیل «من» در آیه برای تبعیض است نه زائده: ۱- اگر کلمه «بعض» را به جای «من» بگذاریم، معنای آیه باز هم صحیح خواهد بود و تغییری نمی‌کند. ۲- یکی از شرایط زائد بودن حرف «من» این است که باید قبل از حرف «من» نهی یا نفی یا استفهام بیاید در حالی که در آیه شریفه، این شرط وجود ندارد. (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۱۶۸ - ۱۶۶؛ جمعی از اساتید، ۱۳۷۹: ۲۵۳)<sup>۱</sup>  
بر همین اساس به اتفاق مفسران شیعه و سنی «من» در این آیه به معنای تبعیض است، به عنوان مثال: (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۳۹۷؛ آلوسی، ۱۴۲۱: ۲۰ / ۳۱۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۶۱؛ فخررازی، ۱۴۱۱: ۲۴ / ۲۱۸) و ... بر این نکته تصریح کرده‌اند.

## ۳. اشکال سوم (استبعاد عقلی)

وقوع رجعت دور از عقل است و عقل چنین حادثه‌ای را بعید می‌شمارد، بنابراین با این استبعاد عقلی نمی‌توان قائل به رجعت شد. این اشکال که به «شبهه استبعاد عقلی» معروف است در کلام برخی از بزرگان شیعه منعکس شده است، به عنوان مثال سید مرتضی در بیان این اشکال می‌فرماید: «ما می‌بینیم که بسیاری از مخالفانمان را که رجعت را انکار می‌کنند از این جهت که

۱. و شرط زیادتها ... تقدم نفی أو نهي أو استفهام بـ «هل» و ... .

۲. و «من» في قوله «من كل امه» للتبعيض ... .

۳. و «من» الاولي تبعيضية ... .

۴. فان قلت: أي فرق بين «من» الاولي والثانية، قلت: الاولي للتبعيض و الثانية للتبيين ... .

۵. فالفرق بين «من» الاولي و الثانية، أن الاولي للتبعيض ... .

آن را غیرمقدور و محال می‌شمارند». (موسوی، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۲۵) در این راستا شیخ حر عاملی هم می‌نویسد:

شبهه اول استبعاد است و ریشه انکار منکران، همین است؛ چون بسیاری از عقل‌های ضعیف از پذیرفتن این‌گونه مطالب عاجز هستند. (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۴۰۷)

#### پاسخ

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت که اگرچه برخی از امور بسیار بعید به نظر می‌رسند، اما وقتی دلیل بر محال بودن آنها وجود نداشته باشد احتمال وقوع آنها وجود دارد و اگر دلیلی بر وقوع آنها اقامه گردد گریزی از پذیرش آنها نخواهد بود.  
ابوعلی سینا می‌گوید:

آنچه را گوش تو از مسائل عجیب دوران و امور شگفت‌انگیز شهرها شنید، در بوته امکان قرار ده مادامی که برهانی آن را نفی نکرده است. (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

بازگرداندن عده‌ای از انسان‌ها به دنیا برای خدا مقدور است و به صرف بعید دانستن نمی‌توان آن را انکار کرد؛ زیرا بعید دانستن به معنای منع تحقق نیست بلکه به معنای دور بودن تحقق است و چه دورهایی که با کمال ناباوری، نزدیک می‌گردند.

رجعت امتناع ذاتی و وقوعی ندارد. یکی از دلایل امکان رجعت، این است که نه (فی حد نفسه) محال و ناشدنی است و نه وقوعش مستلزم تناقض و محال است؛ زیرا ملاک ممتنع بودن یک حادثه این است که یا خود از قبیل اجتماع نقیضین یا ارتفاع نقیضین باشد یا آنکه منجر به آن دو گردد و شی‌ای که نه امتناع ذاتی داشته باشد و نه امتناع وقوعی، دارای امکان وقوعی است؛ یعنی افزون بر آنکه ذاتش ممکن است، وقوعش نیز ممکن است. (شیرازی، ۱۹۸۱: ۱ / ۳۶۴؛ شیروانی، ۱۳۹۱: ۲۷ - ۲۰) بنابراین، چون تحقق رجعت مستلزم هیچ محذور عقلی نیست، از نظر عقل، در شمار حوادث محال محسوب نمی‌شود.

ممکن‌الوقوع بودن رجعت از شایع‌ترین ادله‌ای است که قائلین رجعت ارائه داده‌اند، براساس این دلیل، زنده شدن مردگان در گذشته به وقوع پیوسته است و چیزی که سابقه وقوعی داشته باشد، وقوع آن در هر زمان دیگری ممکن خواهد بود.

آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (حج / ۶؛ بقره / ۲۰) بر امکان رجعت دلالت دارد. تقریب استدلال: رجعت از امور ممکنه است و قدرت خداوند نیز به تمام ممکنات بدون استثنا

تعلق می‌گیرد، نتیجه می‌گیریم پس خداوند بر رجعت و بازگرداندن در همین دنیا، قادر است. (طبری، بی‌تا: ۲۵) فضل بن شاذان و سایر متکلمان امامیه برای اثبات امکان رجعت، به قدرت مطلقه حق تعالی نسبت به زنده کردن مردگان و همچنین سابقه زنده شدن اموات در گذشته تمسک کرده‌اند. وی در این باره می‌نویسد:

ما منکر قدرت خدا بر احیای اموات نیستیم. اگر بخواهد افرادی از این امت را که مرده‌اند، برمی‌گرداند همانطور که در بنی اسرائیل مردگانی را برگرداند و اگر نخواست بر نمی‌گرداند. (فضل بن شاذان، ۱۳۶۳: ۴۲۶)

ملاصدرا نیز با تکیه بر سابقه وقوعی رجعت می‌گوید: «عقل مانعی در وقوع رجعت نمی‌بیند». (شیرازی، ۱۳۶۶: ۷۶ - ۷۵ / ۵)

با توجه به این مطالب می‌توان گفت: چون خداوند قادر مطلق است بر همه چیزهای ممکن از جمله زنده کردن مردگان در دنیا، تواناست و چیزی که مقدر خداوند باشد ذاتاً محال نیست و ممکن خواهد بود و واضح و روشن است که بازگرداندن انسان‌ها به دنیا به مراتب از آفرینش اول آنها سهل‌تر خواهد بود. هر چند که برای خداوند راحتی و سختی معنا ندارد. آیاتی داریم که بر وقوع این حادثه در گذشته دلالت دارد و از آن پرده برداشته و ممکن‌الوقوع بودن آن را تأیید می‌کند. به عنوان مثال: آیه ۲۴۳ سوره بقره بیانگر این واقعه تاریخی است که هزاران نفر از بنی‌اسرائیل که مرده بودند به دستور خداوند زنده شدند:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.

مگر داستان آنان که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ، از دیار خویش بیرون شدند نشنیدی که خدا به ایشان گفت: بمیرید، آنگاه زنده‌شان کرد که خدا بر مردم کریم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

در کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده که در ضمن حدیثی فرمود:

خدای تعالی قومی را که از ترس طاعون از خانه‌های خود و از وطن مانوس خود بیرون شدند و فرار کردند همه آنها را که عددی بی‌شمار داشتند بمیراند، مدتی طولانی از این ماجرا گذشت، حتی استخوانشان پوسید و بند بند استخوان‌ها از



هم جدا شد و خاک شدند، آنگاه خدای تعالی پیامبری را به نام حزقیل مبعوث کرد و آن جناب در وقتی که خدا هم می‌خواست خلق خویش را زنده ببیند دعا کرد و بدن‌های متلاشی شده آنان جمع شده جان‌ها به بدن‌ها برگشت و برخاستند به همان هیاتی که مرده بودند؛ یعنی حتی یک نفر از ایشان کم نشده بود، پس از آن مدتی طولانی زندگی کردند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۹۸)

همچنین آیات ۵۵، ۵۶ و ۲۵۹ سوره بقره و آیه ۱۱۰ سوره مائده و ... بر این امر دلالت دارند.

## نتیجه

در این نوشتار چند نکته ثابت شد:

۱. رجعت از امور ممکنه است که عقل، قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام و اجماع امامیه بر وقوع آن تأکید می‌کنند.
۲. آیه ۸۳ سوره نمل به‌طور واضح و آشکار بر رجعت دلالت دارد. از آنجایی که حشر روز قیامت همگانی است و از احدی فروگذار نمی‌شود؛ معلوم می‌شود که حشر خاص، مربوط به قیامت نیست؛ بلکه حشری است که در همین دنیا صورت می‌گیرد و مربوط به روز رجعت است.
۳. علما شیعه دلالت این آیه را بر رجعت پذیرفته‌اند، اما علما اهل سنت دلالت این آیه را بر رجعت قبول نمی‌کنند.
۴. با این آیه اصل رجعت اثبات می‌شود اما جزئیات را باید از روایات معصومین علیهم‌السلام به دست آورد.
۵. به اتفاق مفسران شیعه و سنی «من» در این آیه به معنای تبعیض است.
۶. وقوع رجعت مستلزم هیچ محذور عقلی نیست و از نظر عقل، در شمار حوادث محال محسوب نمی‌شود، بلکه عقل آن را ممکن‌الوقوع می‌داند.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۲۱ ق، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن اثیر جزری، محمد، ۱۳۶۴، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، اسماعیلیان.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، مؤسسه الرساله.

- ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني، ۱۳۹۵ ق، سنن، بيروت، دار احياء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بيروت، دار صادر.
- ابن هشام، عبدالله بن يوسف، ۱۴۰۴ ق، معنى اللبيب عن كتب الاعراب، تهران، مكتبه الاسلاميه.
- ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۵، الاشارات و التنبيهات، قم، بلاغه.
- اکبری، محمدرضا، ۱۳۸۷، عصر شکوهمند رجعت، قم، مسجد مقدس جمکران.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف، ۱۴۱۸ ق، تفسیر الثعالبی، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- جمعی از اساتید مدارس حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، معنی الادیب، قم، نهانندی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ ق، الصحاح، بيروت، دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۲، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ترجمه احمد جنتی، قم، المطبعه العلمیه.
- حلبی، ابوالصلاح، ۱۴۰۳ ق، الکافی فی التکلیف، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مكتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حلبی، حسن بن سلیمان، ۱۴۱۲ ق، مختصر بصائر الدرجات، نجف، المطبعه الحیدریه.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، ۱۴۱۱ ق، التفسیر الکبیر، تهران، دار الکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دار العلم.
- زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، تاج العروس، تصحیح علی شیری، بيروت، دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، تفسیر کشاف، ج ۳، بيروت، دار المعرفه.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بی جا، مطبعه أنوار المحمديه.
- شهیمی، حسین، ۱۳۸۶، رجعت، قم، دفتر نشر معارف.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر القرآن الکریم، قم، بیدار.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۱۸ م، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- شیروانی، علی، ۱۳۹۱، شرح مصطلحات فلسفی بدایه الحکمه و نهایه الحکمه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۴ ق، الاعتقادات، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۱، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- طبسی نجفی، محمدرضا، ۱۳۹۵ ق، الشیعه و الرجعه، نجف، مطبعه الآداب.
- طبسی، نجم الدین، بی تا، رجعت از نظر شیعه، قم، دلیل ما.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۲ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت.
- فضل بن شاذان، ۱۳۶۳، الايضاح، تهران، دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۲ ق، القاموس المحیط، بیروت، المؤسسة العربیه.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر، قم، دار الهجرة.
- سید قطب، ۱۳۸۶ ق، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ ش، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، حق الیقین در اصول اعتقادات، تهران، اسلامیه.
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۷، عقائد الامامیه، قم، انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، المسائل السروییه، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۴ ق، اوائل المقالات، تهران، دار المفید.
- موسوی، ابوالقاسم علی بن الحسین (سید مرتضی)، بی تا، رساله المحکم و المتشابه، قم، دار الشبستری.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۵ ق، رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم.

